

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس (با تاکید بر چهل دفتر شعر)* (علمی- پژوهشی)

دکتر مریم شریف‌نساب

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

شعر دفاع مقدس، باز نمود اندیشه و احساس ملت غیور ایران در برهه‌ای از تاریخ است؛ لذا بررسی آن از ابعاد گوناگون جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، ادبی و ... حائز اهمیت فراوان است. در این پژوهش، بازتاب مفهوم «وطن» در شعر برجسته‌ترین شعرای این دوره مورد واکاوی ادبی قرار گرفته است. برای انجام این پژوهش، نخست شاعرانی که شعرشان بیشتر بر حوزه دفاع مقدس متمرکز بوده است، برگزیده و تمامی شعرها به لحاظ نوع بازتاب یافتن مفهوم وطن در آنها، به شیوه کتابخانه‌ای (فیش برداری) بررسی شده است. این شعرا عبارتند از: حمیدسبزواری، نصرالله مردانی، سیمین دخت وحیدی، سپیده کاشانی، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور، سیدحسین حسینی، عبدالجبار کاکایی، علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکیان و محمدسعید میرزایی. از آنجا که در نظر بود که پژوهش، جامعیت داشته، نتایج حاصل از آن قابل استناد و تعمیم باشد، هیچ شعر و شاعری از این بررسی حذف نگردید.

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که گاهی وطن در شعر ایشان در مفهوم ملی و ناسیونالیستی، گاهی در مفهوم اقلیمی و زادگاه شاعر، و گاهی نیز در مفهوم اعتقادی منعکس شده است. در شعر این شاعران وطن آرمانی نیز سرزمینی فارغ از هر گونه پلیدی و پلشتی است که شاعر آن را برای همه انسان‌های جهان آرزو می‌کند. در این اشعار، اغلب با توصیفات، استعارات، تشبیهات و ترکیب‌سازی‌های بدیع و نوظهور درباره وطن مواجه می‌شویم.

واژه‌های کلیدی: وطن، شعر دفاع مقدس، وطن ملی، وطن اقلیمی، وطن

اعتقادی، وطن آرمانی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱۳

msharifnasab@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۶/۲۹

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

شعر هردوره، آینه اندیشه و احساس مردم آن دوره است. با بررسی موضوعات و مضامین شعر هردوره می‌توان تا حدودی به دغدغه‌ها، آرزوها و آرمان‌های غالب آن دوره پی‌برد. شعر دفاع مقدس نیز به‌عنوان ادبیاتی برآمده از یک دوره حساس و بحرانی در تاریخ این مرز و بوم، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. این پژوهش انعکاس مفهوم «وطن» را در شعر برجسته‌ترین شعرای این دوره با روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) بررسی و دسته‌بندی می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

بی‌شک زبان، خانه اندیشه است و آنچه به زبان می‌آید، بازتابی از تفکر نهفته در پس ذهن پدیدآورنده متن است. وقتی سر و کارمان با متن ادبی باشد، بررسی چگونگی به تصویر کشیده شدن موضوعات مختلف، می‌تواند دیدگاه آفرینشگر متن نسبت به موضوع را نشان دهد؛ بنابراین وقتی بازتاب یک واژه کلیدی چون «وطن» را در مهم‌ترین شعرهای یک دوره بررسی می‌کنیم، در واقع به بررسی دیدگاه شاعران آن دوره درباره این مفهوم پرداخته‌ایم.

۱-۲- ضرورت و اهمیت مسئله

در قاموس عشق به زادگاه - که از سویی ریشه در فرهنگ اسلامی و از سوی دیگر پایه در فرهنگ ایرانی دارد - وطن و میهن از واژگان کلیدی محسوب می‌گردد؛ از این رو، بررسی چگونگی بازتاب این مفهوم در آثار ادبی دوره‌های مختلف، شایسته و بایسته به نظر می‌رسد.

۱-۳- پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت موضوع، تعداد پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه به شکل حیرت‌آوری اندک است. در این میان می‌توان به این موارد اشاره نمود: نیکوبخت، ناصر و غلامعلی زارع. (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). «وطن در شعر مشروطه». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، ش ۵۴ و ۵۵.

-نقی پور، محمد مهدی. (دی ۱۳۸۸). مفهوم وطن در شعر فارسی از دوره مشروطه تا امروز. پایان نامه کارشناسی ارشد. بنیاد ایران شناسی. به راهنمایی دکتر مریم شریف نسب.

-شفیعی کدکنی، محمدرضا. (تیر ۱۳۸۹). «تلقی قدما از وطن». بخارا، ش ۷۵.

۲- بحث

۲-۱- تعاریف و مفاهیم

۲-۱-۱- وطن

«وطن» در لغتنامه‌های عمومی به «جای باشِ مردم، محل اقامت، مسکن، جای ماندنِ طولانیِ شخص خواه در آن زاده شده باشد یا نه، کشوری که شخص در آن زاده شده یا تابعیت آن را دارد» معنی شده است. (نگ. دهخدا، فرهنگ فارسی معین، فرهنگ نظام، فرهنگ سخن؛ ذیل مدخل وطن) اما در اصطلاح علوم سیاسی، وطن در دو مفهوم به کاررفته است: «۱- سرزمین یا کشوری که قرن‌ها مردانی با هم در آن زندگی کرده و غم و شادی، نیک و بد و رنج و راحت آن را با هم دیده و آزموده‌اند و به صورت تاریخی، مهم‌ترین آن وقایع برایشان مجسم شده است. وطن نزد عوام و در ادبیات قدیم، به معنی محل تولد و سکونت بوده است. ۲- محیطی که انسان از لحاظ عواطف قومی و روحی بدان علاقه‌مند است یا در آن متولد شده و نشو و نما کرده است و در غربت نیز در هوای آن است» (آقابخشی، ۱۳۸۳: ذیل مدخل وطن). در دایره المعارف ناسیونالیسم، ذیل مدخل «زادبوم» آمده است: «سرزمینی است که منطقه تاریخی محل سکونت گروه مورد نظر و غالباً زادگاه هویتش انگاشته می‌شود» (فانی، ۱۳۸۳: ذیل مدخل زادبوم).

۲-۱-۲- شعر دفاع مقدس

کلیه آثاری که در حال و هوای جنگ و با موضوع جنگ پدید می‌آیند، «ادبیات جنگ» نامیده می‌شوند. این ادبیات ممکن است مستقیماً به توصیف صحنه‌های نبرد پردازد و یا به طور غیر مستقیم مسائل مربوط به جنگ را دربرگیرد (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۹).

اگر ادبیات جنگ را یک مفهوم کلی، شامل تمام مکتوبات مربوط به جنگ بدانیم و نگاهمان معطوف به جغرافیای خاصی نباشد، چه جنگ ایران و عراق، چه جنگ جهانی دوم، چه جنگ مردم فلسطین با صهیونیست‌ها، در این صورت، جهت‌گیری خاص اعتقادی و ارزشی نیز ضرورتی پیدا نمی‌کند و ادبیات جنگ به نوعی شامل ادبیات ضد جنگ نیز می‌شود. مقصود از ادبیات ضد جنگ، ادبیاتی است در ستایش صلح و آرامش (کوثری، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

شاخه دیگر در حوزه ادبیات جنگ، «ادب پایداری» است که با نگاهی انسانی، مردمان تحت سلطه یگانه را به مقاومت و پایداری در برابر دشمنان برای آزادسازی سرزمین خویش دعوت و تشویق می‌نماید (کاکایی، ۱۳۸۰: ۹). نمونه بارز ادبیات پایداری در فلسطین پدید آمده است. در ادبیات عرب، اغلب به این شاخه، «ادب مقاومت» گفته می‌شود.

ادبیات دفاع مقدس، مشخصاً به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌پردازد. این ادبیات، با بهره‌گیری از ارزش‌های ملی و معنوی و مذهبی، سربازان ایرانی را برای نبرد با بعثیان تشجیع می‌کند. درونمایه ادبیات دفاع مقدس در کشور شیعی و علوی ایران، بی‌شک متأثر از تاریخ وقایع مذهبی شیعه، بویژه عاشورای حسینی است. ادبیات دفاع مقدس ایران - همچون همه جای جهان - در شاخه‌های شعر، داستان، رمان، فیلم، نمایشنامه و... خلق شده است.

شعر دفاع مقدس، یا در طول هشت سال جنگ ایران و عراق به وسیله شاعرانی که خود در جبهه‌ها حضور داشته، شاهد واقعی ماجرا بوده‌اند، و یا به وسیله شاعرانی که در پشت جبهه‌ها مشوق دلاوران بوده‌اند، سروده شده است. بخش دیگری از شعر دفاع مقدس پس از اتمام جنگ و به وسیله شاعران جوان‌تری که نسل بعد انقلاب‌اند و در ایام دفاع مقدس نبوده یا کودک بوده‌اند سروده شده است. این اشعار به منظور پاسداشت یاد و خاطره دلاورمردان دفاع مقدس و ادای دین به آنان است (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۹ تا ۳۳ و کاکایی، ۱۳۸۰: ۲۲ تا ۲۹).

۲-۲- پیشینه مفهوم وطن در شعر پارسی

وطن در معنای ملیت (به مفهوم اروپایی آن) البته در شعر پارسی سابقه طولانی ندارد؛ اما در معنای قومیت و دلبستگی به زادگاه و زادبوم، در کهن‌ترین اشعار باقی‌مانده به زبان فارسی نیز دیده می‌شود. در شعری از ابوالنبغی عباس بن طرخان (معاصر برمکیان) که به روایتی قدیم‌ترین شعر به پارسی است که باقی مانده، در واکنش به ویرانی سمرقند آمده است:

سمرقند کندمند بدینت کی اوفگند
از چاچ تا بهی همیشه ته خهی

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۱)

در ادبیات کهن پارسی خصوصا در متون حماسی به پاسداری از مرز و بوم ایران در مقابل حملات بیگانگان اشاره رفته و به آن افتخار شده است. شاهنامه وزین فردوسی سند اعتبار دفاع از میهن در مقابل بیگانگان (تورانیان) است:

ز بهر بر و بوم و پیوند خویش زن و کودک خرد و فرزند خویش
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

(فردوسی، ۱۳۶۱: ۸۹۸)

در عصر شعوبیه به مقتضای حال سیاسی و اجتماعی خاص آن، میهن دوستی در شعر اغلب شعرا (به فارسی و عربی) دیده می‌شود (رزمجو، ۱۳۸۸: ۸۷)؛ اما با شروع عصر غزنویان و به سبب غیر ایرانی بودن ایشان، جنبه‌های ملی و قومی در شعر این عصر کمرنگ می‌شود و این ضعف در عصر سلجوقیان به اوج خویش می‌رسد. غزنویان و سلجوقیان ترک تبار برای توجیه حضور و حاکمیت خویش بر ایران با تضعیف جنبه‌های ملی، بر وجهه دینی و مذهبی حکومت خود تاکید کرده، اندیشه اسلامی بودن را بر ایرانی بودن ترجیح نهادند. حاصل این اندیشه، بازتاب یافتن جنبه‌های مذهبی (اسلام وطنی) در شعر بسیاری از شعرا و کمرنگ شدن عرق ملی و میهنی بود (صفا، ۱۳۷۸: ۶۷-۳). این روند در دوره مغولان و تیموریان ادامه یافت و در دوره صفویان به اوج رسید. در عصر مشروطه تحت تاثیر اروپا، برای بار دیگر بارقه‌های ملیت و میهن پرستی درخشید و در شعر

شاعرانی چون بهار، دهخدا، میرزاده عشقی، فرخی یزدی، عارف قزوینی، نسیم شمال، ابوالقاسم لاهوتی و دیگران رخ نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، گفتمان اجتماعی و دیدگاه عمومی در باب مفهوم وطن دچار تغییرات بنیادی شد و بازتاب آن در شعر شاعران جلوه تازه‌ای یافت.

۲-۳- شاعران دفاع مقدس

با پیروزی انقلاب اسلامی، ادب پارسی به مسیر تازه‌ای افتاد. تعدادی از شاعرانی که در دوره پهلوی نیز شعر می‌سرودند کماکان به شاعری ادامه دادند و تعداد دیگری از جوان‌ترها شاعری خود را پس از انقلاب آغاز کردند. با شروع جنگ تحمیلی، عده‌ای - عمدتاً جوان‌ترها - شعر خود را بر موضوع جنگ متمرکز کردند و عده دیگری در کنار سایر موضوعات، از جنگ نیز سخن گفتند. در پژوهش حاضر، شعرهای برجسته‌ترین شعری که بر موضوع دفاع مقدس متمرکز بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. برای دست یافتن به نتیجه‌ای جامع، گریزی از بررسی تمامی اشعار دوران دفاع مقدس این شاعران نبوده است. حذف هر فرد یا شعر، می‌توانست نتایج را نامطمئن گرداند؛ از این رو، تمامی شعرهای دوران دفاع مقدس این یازده شاعر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. حمید سبزواری ۲. سپیده کاشانی ۳. سیمیندخت وحیدی ۴. سلمان هراتی
۵. نصرالله مردانی ۶. قیصر امین پور ۷. سیدحسن حسینی ۸. محمدرضا عبدالملکیان
۹. عبدالجبار کاکایی ۱۰. علیرضا قزوه ۱۱. محمدسعید میرزایی

۲-۴- بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس

از بررسی مجموعه اشعار شعرای نامبرده چنین برمی‌آید که وطن در شعر این شاعران در سه مفهوم کلی بازتاب یافته است:

۲-۴-۱- وطن در مفهوم ملی^۲

در این دیدگاه، وطن یا کلمات مترادف آن به مفهوم کشوری است با مرزهای جغرافیایی مشخص که بر روی نقشه‌های جهان با مساحت و پرچم مشخص، معلوم شده است.

شاعران این دوره، گاه با یادآوری تاریخ پرشکوه گذشته ایران و با استفاده از اسطوره‌های نامدار ایرانی، شرایط فعلی حاکم را با شرایط تاریخی - اسطوره‌ای مقایسه کرده‌اند؛ در این دیدگاه تلمیحات تاریخی و اسطوره‌ای فراوان است:

محو شد از صفحه هستی نقش صد ضحاکک بیم‌انگیز
کاوه را نازم که رسم اوست جاودان تا صبح رستاخیز
(سبزواری، سرود درد: ۵۵)

پای هوس چه کوبید بر تربت شهیدان / خونخواه یک سیاوش صد تهمتن بر آید
(سبزواری، سرود سپیده: ۴۰۳)

باشد جهانی دیده بگشایند تا بینند / افراسیاب امروز هم پیروز بر رستم نمی گردد
(وحیدی، دیوان: ۱۹۷)

چاه شب را بیژنم من، بیژنم رستمی از چاه شب آزاد کو؟
بیستون شب مهیب است و بلند عاشقی با تیشه فرهاد کو؟
(حسینی، همصدا با حلق اسماعیل: ۸۹)

همین گونه خوب است / همین گونه یعنی سرافرازی عشق / همین گونه یعنی عبور سیاوش از آتش / همین گونه یعنی گره خوردن بیستون / با نفس‌های شیرین / همین گونه یعنی که یعقوب و یوسف / همین جاست / همین گونه یعنی بهاری که در باور ماست (عبدالملکیان، ساده با تو حرف می زنم: ۳۷).

پابه‌پای قصه در راهیم / پابه‌پای کینه کاووس / پابه‌پای مکر سودابه / برستیغ کوه چون آرش / یا سیاوش در دل آتش / یا حسین تشنه بر صحرای تفتنها / یا چو یوسف در ته چاهیم / ما چو دریا‌های بی پایاب بسیاریم (کاکایی، با سکوت حرف می زنم: ۲۵۳).

در این قطار / آرش، ابراهیم / در این قطار، سیاوش / در این قطار / صدای ناله مولانا / شیر خدا و رستم دستان... / عین القضاة، ضامن آهو / در این قطار / تمامی ایران! (قزوه، قطار اندیمشک: ۱۹۷)

این بار در قطار اندیمشک/ میرزا کوچک جنگلی است/ با دکتر حشمت/ و
بچه‌های لشکر قدس!/ امروز هم با قطار اندیمشک رفتند/ ستارخان و باقرخان/
قشون تبریز و/ بندر شرفخانه/ و بچه‌های لشکر عاشورا! (همان: ۱۹۸)
در برخی شعرها، حمله عراق به ایران با حملات مغولان و تارها مقایسه شده
است:

از ناخن بعثی به سر ناسور داری خاکم به سر سیمای نیشابور داری
سیمای نیشابور از زخم تموچین زخم تموچین دگر، صدام بی دین!
(سبزواری، سرود سپیده: ۱۶۹)

دریده سینه خاک حماسه‌های یقین ز سم مرکب چنگیز و تیغ تاتاریست
صدای شیبه رخشی دگر نمی آید کجاست رستم دستان که زخم‌ها کاریست
(مردانی، قانون عشق: ۱۳۴)
باز کن دیده خود را ای دل!! بنگر/ در زمانی که زمین را ز دو سو/ بر جگر/
تیر تاتار جهان‌خوار فرود آمده است/ وطنم - قامت بالنده عشق - / سر برداری
است که از دار فرود آمده است (حسینی، همصدا با حلق اسماعیل: ۷۳).
ای همچو سربداران در رزم با تاران/ جانانه زنده کردی آیین سربداری!
(حسینی، همان: ۲۷)

البته گاه این یادآوری تاریخ و اسطوره، همراه با افتخار و شادی نیست؛ گاهی
شاعران از یادآوری این تاریخ یا حماسه احساس شرم و افسوس کرده، تاریخ
معاصر، قهرمانان معاصر و حماسه‌های معاصر را بر آن‌ها برتری می‌نهند. در این
قیاس، حتی شاهنامه پر ارج فردوسی به «سیاهنامه تاریخ» بدل می‌شود:
فسانه گشت و کهن یاد رستم دستان/ از آن حماسه که با خون سرود، خوزستان
حکیم طوس سزد سر ز خاک بر آرد/ که شاهنامه به اروند رود بسپارد
بشوبد از همه دیوان، حدیث شاهان را / طراز نامه کند نام دادخواهان را
که رزم ساحل اروند، نقش جیحون شست / «سیاهنامه تاریخ» را یم خون شست
کنون حماسه گردان همسفر باید / ز خون نوشت هلا دفتر دگر باید...
(سبزواری، سرود سپیده: ۹۲)

البته تحقیر تاریخ و بزرگان این سرزمین، همیشگی نیست. به عنوان نمونه، حمید سبزواری که در ایات پیشین فردوسی و شاهنامه‌اش را اسباب خجالت دانسته بود، در مجموعه شعر دیگرش چنین می‌سراید:

فرخا ملک خراسان و صفای آن دیار / ارض توس و مرز نیشابور و شهر سبزوار...
گاه استاد سخن، فردوسی آرد در وجود / کز وجود او حماسه یافت زیب و اعتبار
خواهی ارواح هنر را، خیز و فردوسی‌ش بین / ور کمال عشق خواهی، دیده‌زی عطار دار!
(سبزواری، سرود درد: ۲۴۱)

۲-۴-۲-وطن در مفهوم اقلیمی

گاه، وطنی که شعرای این برهه، از آن یاد می‌کنند، نه وطن ملی، بلکه بخشی از آن است. این بخش، عموماً زادگاه شاعر است که با بزرگداشت، احترام و گاه با نگاهی حسرت‌بار^۳ از آن یاد می‌کنند. این یادکرد گاهی یادکرد مردمان آن شهر یا روستا و منطقه است و گاه یادکرد ویژگی‌های طبیعی یا فرهنگ آن خطه:

شهر من / ای شهر خاطره‌ها / آه... ای خفته در دامان کویر / ای نگین تاریخ / ای کاشان! / من شکفتم در تو / در تو من رویدم / سبز شدم /... / من نوشتم آنجا / روی دفتر مشق / روی میز کلاس / روی لحظه شادیه‌ها و غمهایم: / همه جا کاشان / مادر / و وطن! (کاشانی، مجموعه آثار: ۴۳۰ تا ۴۳۴)

سقف‌ها به زیر تندبادها شکست و باز / شهر من همیشه جهرم است، قامتی که خم نشد (وحیدی، دیوان: ۲۳۸)

شهر من مجروح و خسته / شهر آینه‌های شکسته
شهر من شهر باران و پاکی / کوچه در کوچه بن بست و خاکی
شهر من شهر دیروز «ساسان» / شهر بیدار و دشمن هراسان
«تنگ چو گانش» آکنده از رنج / باغهایش پُر از عطر نارنج...

(مردانی، مست برخاستگان: ۷۰ تا ۷۲)

گفتم: / در شهر ما / دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست / اینجا / وضعیت خطر گذرا نیست / آژیر قرمز است که می‌نالد / تنها میان ساکت شبها / بر خواب

ناتمام جسدها {...} / اینجا دیوار هم / دیگر پناه پشت کسی نیست / کاین گور
دیگری است که استاده است... (امین پور، مجموعه اشعار: ۳۸۳ و ۳۸۴)
من ایلیاتی‌ام / پشتم همیشه کوه / پیشم همیشه دشت / عشقم همیشه چادر و کوچ و
گیاه و رود / گروس، گروس پیر سر به طاق فلک سوده / مغرور پاک سر به خاک
نیالوده / روزی که من جدا شدم از تو / روزی که من به شهر رسیدم / اسب غریب من،
چه هراسی داشت! ... / اینجا فرزند کوه را / دعوت به اختناق / دعوت به بند و بیم، به
تسلیم می‌کنند / من ایلیاتی‌ام / من وصله‌ای به پیرهن شهر نیستم / اینجا غریب مانده‌ام و
دل‌تنگ / من سنگ نیستم (عبدالملکیان، ریشه در ابر: ۲۰ تا ۱۶).

من گل خودروی کوهستانی‌ام / اهل ایل بی سر و سامانی‌ام
ساقه‌ام در خاک این غربت سراسر / با بلوط پیر اینجا آشناست...
مادرم می‌گفت با سوزی غریب / روز و شب در گوش این غربت نصیب:
«کم ده باخ و به رگی ئی شه هر یله بیش / له یوه آوه تک تکه مه شکی به نیش
بی په ناهی ری شه گه آیه م که نه / داخه ده یری په شته مانه شت را شکنه»
(کاکایی، فرصت نایاب: ۱۸۱ تا ۱۸۴)

چنانکه دیده می‌شود در یادکرد زادگاه، شاعران گاه از گویش و یا لهجه
محلی خود استفاده می‌کنند؛ مثلاً در شعر نصرالله مردانی با لهجه کازرونی:
«کازرون» فصل باهارش همه جاش غرق گلن / آم چه فویده مٹ دریاش دل مو
پیشون (مردانی، قانون عشق: ۴۰۱)
تو هووی باهار آخرک سر «چشمه ساسون» بید مجنون دزکی دس تو سینه او
می‌زنه...
بو گلوی وحشی شدمو، نریکوی «تنگ تیگو» / آدمی مس می کنه وختی تو گه تو
می‌زنه! (همان: ۳۸۸)

گاهی شاعر نه به زادگاه خویش، که به مناسبت‌های گوناگون به اجزا و
گوشه گوشه وطن اشاره می‌کند:
به پسریم واقعیت را بگوئید / بگوئید به خاطر آزادی تو / هزار خمپاره استعمار /
سینه پدرت را نشانه رفته‌اند / بگوئید خون پدرت / بر تمام مرزهای غرب و جنوب

کشورش / پریشان شده است / بگوئید موشکهای دشمن / انگشتان پدرت را در
سومار / دستهای پدرت را در دشت عباس / پاهای پدرت را در موسیان / سینه
پدرت را در شلمچه / چشمان پدرت را در هویزه / حنجره پدرت را در ارتفاعات
الله اکبر / خون پدرت را در رودخانه بهمنشیر / و قلب پدرت را در خونین شهر /
پرپر کرده اند / اما هنوز ایمان پدرت / در تمامی جبهه ها می جنگد... (عبدالملکیان،
ریشه در ابر: ۴۲).

۴-۲-۳-وطن آرمانی، وطن اعتقادی^۹

یکی از مفسران وطن اسلامی یا اسلامستان، در قرن اخیر، شاعر بزرگ شبه
قاره هند، محمد اقبال لاهوری است... که معتقد است مسلمانان باید ترک نسب
کنند و از رنگ و پوست و خون و نژاد چشم پوشند. می گوید:

از حجاز و روم و ایرانیم ما شبم یک صبح خندانیم ما
چون گل صد برگ ما را بویکی است اوست جان این نظام و او یکی است...
(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۵)

ظاهراً پیشتر از علامه اقبال لاهوری، اندیشه «وطن اسلامی» در آرای
سید جمال الدین اسدآبادی مطرح شده بوده است. در این دیدگاه، وطن، نه در
معنای ملی و اقلیمی آن، بلکه در معنای اعتقادی به کار می رود؛ به این معنا که
همه مسلمانان بواسطه اعتقادات یکسان (فارغ از تمایزات جزئی) اهل یک
سرزمین هستند و آن سرزمین، همانا «اسلامستان» است. ترکیب «امت واحده» که
در سده اخیر امام خمینی (ره) بر آن تاکید داشتند و یا تاکید بر «وحدت کلمه» که
از توصیه های همیشگی ایشان بوده است، در همین راستاست.

شعار مشهور و تهییج کننده «راه قدس از کربلا می گذرد» که در ایام دفاع
مقدس ورد زبان رزمندگان بود نیز با همین اندیشه در ارتباط است.

اعتقاد به وطن اسلامی در اشعار شاعران دفاع مقدس نمود ویژه و بارزی دارد:

بس کن سخن از ترک و عجم، تازی و تاتار

کان داعیه را نیست کس امروز خریدار

یاد آر ز آیین نبی، احمد مختار

۱۹۸ / بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس...

زان شیوه و زان سیره و زان رسم سزاوار

وز دیدهٔ اسلام بدین قاعده بنگر

قانون الهی من و مایی نشناسد

تاجیکی و تازی و ختایی نشناسد

این محکمه، شاهی و گدایی نشناسد

اسلام، موارث نیایی نشناسد

اوراق بشوید ازین خط مزور!

(سبزواری، سرود درد: ۱۹۰)

هم نجف هم سامرا باشد هنوز

نام شهرم کربلا باشد هنوز

هر کجا پا می گذاری چاله هاست!

شهر من خون بستر آلاله هاست

(وحیدی، دیوان: ۶۶۳)

در میان آفتاب و دل / مرز مشترک کجاست؟ / چشم‌های من / میزبان
نقشه‌هاست / نقشه‌ها و مرزهای روبه‌رو / مرزهای درد، آرزو / مرزهای مبهم خیال /
مرزهای ممکن و محال / نقشه‌های فاصله / مرزهای خاکی و غریب / بین آفتاب و
دل کشیده‌اند / مرزهای شرقی دلم کجاست؟ / چشم‌های من / میزبان نقشه‌هاست /
کوه‌ها / روی نقشه سر به اوج می‌زنند / رودها / روی نقشه موج می‌زنند / مرزهای
بین آفتاب و دل / ناگهان خراب می‌شوند (امین پور، مجموعه اشعار: ۲۴۵ و ۲۴۶).

این منم در آینه یا تویی برابرم؟ / ای ضمیر مشترک، ای خود فراترم!

در من این غریبه کیست؟ باورم نمی‌شود / خوب می‌شناسمت، در خودم که بنگرم...

ای فزون‌تر از زمان دور پادشاهی ام / ای فراتر از زمین، مرزهای کشورم!

(همان: ۳۷)

شیطان حنجرهٔ کوچک ما را خوش نمی‌دارد / چرا که فریب هزاران مرز
دروغش را / در هم شکسته‌ایم / و مرزی دیگرگونه را پی افکنده‌ایم / مرزی از
جنوب ایران / تا جنوب لبنان / و تا جنوب سرزمین تمام مظلومان جهان / مرزی میان
خدا و شیطان / ... (عبدالملکیان، ریشه در ابر: ۸۲)

شهر ما آن سوی آبی هاست، دور از دسترس شهر ابراهیم ادهم، شهر لقمان حکیم

اندکی بالاتر از آبادی تسلیم محض صاف می آیی سر کوی صراط المستقیم
خاک آن عرشی است، گلهايش زیارتنامه خوان سنگ فرش آسمانش بالهای یا کریم
شهر ما آبادی عشق است، اما راز عشق عشق یعنی واژه های رمز قرآن کریم
(قزوه، قطار اندیمشک: ۱۳۰)

در برخی از اشعار این دوره با «وطن انسانی» به جای «وطن اسلامی» مواجه
می شویم؛ وطنی فارغ از مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و حتی اعتقادی؛ سرزمینی
که برای زندگی نوع انسان، امن باشد:

روزی که جهان از ستم آزاد شود / شاید که در آن روز دلم شاد شود
آبادی ایران - نه فقط - ایده ماست / سرتاسر خاک باید آباد شود

(حسینی، همصدا با حلق اسماعیل: ۱۵۵)

گاه، تصویری که از وطن و سرزمین عرضه می شود، تصویری بغایت آرمانی است؛
سرزمینی که در آن همه چیز بسیار مطبوع و عاری از هر نوع پلیدی و پلشتی است:
بگذار گریه کنم / نه برای تو / که عشق و عقل در تو آشتی کرده اند / که
دشتهای تو سبز است / و آسمان تو آبی / و پسران تو / مردان نیایش و شمشیرند / و
مادران صبوری داری / و پدرانی بغایت جرأت مند / و جنگل هایی در نهایت سبزی و
ایستادگی / و دریا هایی با جبروت عشق هماهنگ... (هراتی، مجموعه اشعار: ۱۶)

۲-۵-وطن، صفات و ترکیبات ادبی نوظهور

بررسی وطن در شعر دفاع مقدس می تواند دو رویکرد داشته باشد؛ نخست به
لحاظ دیدگاه شاعران در باب مفهوم وطن، چنانچه در بخش پیشین بررسی شد.
رویکرد دوم، بررسی زبان شعر این دوره و ترکیب سازی های زبانی و ادبی در باب
وطن است. این بررسی هم به لحاظ زبانی حائز اهمیت است و هم دیدگاه
احساسی شعرا درباره وطن را می نمایاند.

از آنجا که صفات و ترکیبات و استعاراتی که هر شاعر به کار می برد،
نمایاننده سبک و حالات روحی و احساسی اوست، به منظور بررسی دقیق تر
سبک هر شاعر، بررسی های زبانی، جداگانه و به تفکیک صورت گرفته است.
بدیهی است که در این بررسی، بسامدگیری و ارائه آمار در نظر نبوده است. در

۲۰۰ / بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس...

بررسی زبانی هر شاعر، تنها برجسته‌ترین صفات و استعارات و... از باب نمونه استخراج شده است.

۲-۵-۱- حمید سبزواری

الف- صفات و استعارات

برخی از برجسته و تازه‌ترین صفات و استعاراتی که سبزواری در باره وطن به کار برده است، این موارد هستند:

کشور توحید، دشت قیام، ملک هنر، دیار سروقدان، گرامی مرز مشک‌اندای، دیولاخ فتنه‌زا، دیر مغان ...

خوش‌تر است از سیم و زر در چشم من خاک وطن

جاودان باد این **گرامی مرز مشک‌اندای** من

(سبزواری، سرود سپیده: ۱۷۲)

شتابی ای تکاور، باره خونین ستام ایدر

که بر این **دیولاخ فتنه‌زا** شد وقت جولانها

(سبزواری، سرود درد: ۱۵۶)

بگیرم دامن پیر مغان کز جمع ما راند

هر آن کس را سر ویرانی **دیر مغان** دارد

(سبزواری، سرود سپیده: ۹۱)

ب- تشبیهات

برجسته‌ترین تشبیهات سبزواری درباره وطن:

لاله‌زاران وطن، کشتی ایران، کربلای وطن، سفینه وطن، گلستان وطن و...

ای امام ای باغبان **لاله‌زاران وطن** / عطر گفتار تو دارد ساغر سرشار گل

(سبزواری، سرود سپیده: ۳۱۷)

بیا که **کشتی ایران** نشسته در خون است

بیا و کشتی ما را ز موج خون برهان

(سبزواری، سرود درد: ۴۳۱)

ز **کربلای وطن** راه کربلا بگیریم سراغ طرز شهیدان دشت «لا» بگیریم

(سبزواری، سرود سپیده: ۹۳)

پ- ترکیبات نوظهور

سبزواری، شاعری ترکیب‌ساز است. او با ترکیب واژه‌ها با یکدیگر، کلمات تازه می‌سازد. از این حیث شعر سبزواری از سایر شعرای دفاع مقدس اندکی متمایز است. برخی از ترکیبات جدید در شعر او عبارت‌اند از: شهیدستان، امیدستان، جنون‌آباد، شهیدآباد،...

نخل هم در ماتم ما دل بر آتش می نهد
در شهیدستان ما یک وصله ناجور نیست!

(سبزواری، سرود سپیده: ۳۲۱)

شهریاری به امیدستانیم هر کجا ایم بهایی داریم
خانه از غیر برداشته‌ایم در خور خویش سرایی داریم

(سبزواری، سرودی دیگر: ۱۰۱)

۲-۵-۲- سپیده کاشانی

الف- صفات و استعارات

خاک خونین، خاک آزادگان، خاک لاله‌پرور، مهد توحید، مهد شیران،
مهد ایمان، گلکده سرخ، ...

هفت دریا دیدگان عشق ماست شعله‌اش زین خاک خونین تا خداست

(کاشانی، مجموعه اشعار: ۱۳۳)

ای خاک لاله‌پرور، بر سینه صبورت طغیان رود ایشار در اوج آزمون است

(کاشانی، سخن آشنا: ۴۱)

جلوه اسلام گشت گلکده سرخ ما دشمن نادان چه زین کهنه سرا می برد؟

عطر پیام است در هر گل این لاله‌زار شهر به شهر این پیام باد صبا می برد

(کاشانی، سخن آشنا: ۵۰)

ب- تشبیهات

نینوای ایران، حماسه‌زار وطن، کربلای وطن، بیشه‌زار وطن، ...

در نینوای ایران کشتند عاشقان را ما روزه‌دار عشقیم، افطارمان ز خون است

(کاشانی، سخن آشنا: ۴۰)

حماسه زار وطن پر شد از تلاوت عشق بیا ببخش به اسلام اقتدار، بیا

(کاشانی، سخن آشنا: ۷۶)

سپاه نور زجا کنده ریشه ظلمت بهار گشته گل افشان به **لاله زار وطن**

(کاشانی، سخن آشنا: ۶۵)

چنان شیرین بود گل زخم تیغ این **شهیدستان**

که گلبانگ اذانش می برد با خویش دلها را

۲-۵-۳- **سیمیندخت وحیدی**

الف-صفات و استعارات

دشت امید، خاک تشنه، خاک داغ، خاک گل پرور، دیار لاله خیز، بهارستان،

جنگل سبز، گلشن،...

نمی روید از خاک ما یأس، می دانم این را

که در **دشت امید** ما، نارون ریشه دارد

(وحیدی، دیوان: ۲۰۵)

تکه تکه دست و پا چسبیده بر این **خاک داغ**

گرچه سرها بر بلندای خطر آویخته

(وحیدی، دیوان: ۵۳۰)

شرر به **جنگل سبز** افتاده، می بینم

کسی به قطع درخت ایستاده می بینم

(وحیدی، دیوان: ۶۳۷)

دشمن از آن سو به فکر جنگ بود از **بهارستان** ما دلتنگ بود...

شعله می بارید بر **بستان** ما می شکست آلاله و ریحان ما

گلشن ما را به آتش می کشید مثل تاریکی به هر سو می دمید...

(وحیدی، دیوان: ۷۲۲)

ب- ترکیبات نوظهور

معصیت آباد، ستم آباد، ...

بجوش چشمه که بنیاد ما بر آب کنی تمام **معصیت آباد** ما خراب کنی...

پراز جنایت و جورست این **ستم آباد** ز دست این همه جلاّد بی خدا، فریاد
(وحیدی، دیوان: ۸۰۲)

(این احتمال وجود دارد که مقصود از معصیت آباد و ستم آباد، کل جهان باشد).

۲-۵-۴- سلمان هراتی

الف-صفات و استعارات

مجمع الجزایر گل‌ها، مظلوم مجروح، اقیانوس موج عاطفه و خشونت، شکیبای
شکوهمند، تواناترین مظلوم، آفتاب شمایل دریادل، منظومه نفیس غم و لبخند،
فروتن نیرومند...

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای **تواناترین مظلوم** / تو را
دوست می‌دارم! / ای **آفتاب شمایل دریادل** / و مرگ در کنار تو زندگی
است / ای **منظومه نفیس غم و لبخند** / ای **فروتن نیرومند**! / ایستاده‌ایم در
کنار تو سبز و سربلند / دنیا دوزخ اشباح هولناک است / و تو آن **درخت**
گردوی کهنسالی / و بیش از آنکه من خوف تبر را نگرانم / تو ایستاده‌ای...
(هراتی، مجموعه اشعار: ۱۵ و ۱۶)

۲-۵-۵- نصرالله مردانی

الف-صفات و استعارات

کشور خون و شهادت، اقلیم شب‌کناران، کشور عشق، خاک حماسه‌های
یقین، دشت شقایق، کشتزار تشنه... / **کشور علم انسانی و مطالعات فرهنگی**
ما خلق‌های **کشور خون و شهادت**یم / تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم
(مردانی، مست برخاستگان: ۲۰۷)

به چه اندیشه در این **کشور خون** آمده خصم؟

ما به نیروی یقین لشکر آهن شکنیم

(همان: ۲۰۵)

به یاد سبز شهیدان عزیز **کشور عشق** ترانه‌های ظفر آشکاره می‌خواند

(همان: ۲۰۴)

ب-تشبیهات

خاک تشنه،...

۲۰۴ / بازتاب مفهوم وطن در شعر دفاع مقدس...

به **خاک تشنه** بشارت دوباره باران داد/ بخوان که مرز خزان، آرش بهار
شکست (مردانی، مست برخاستگان: ۱۸۵)

۲-۵-۶- قیصر امین پور

الف-صفات و استعارات

جنگل، مزرعه شمع، باغ لاله، چمن،...
طوفانی از تیر/ ناگه به جان **جنگل** افتاد/ و هر چه را که کاشته بودیم/ طوفان
به باد داد/ در گرگ و میش آتش و خاستر/ جنگل ولی هنوز/ نفس می کشید/
جنگل هنوز هم/ جنگل بود/ هر چند در دلش/ جای هزار خاطره تاول بود/...
(امین پور، مجموعه اشعار: ۳۲۵ و ۳۲۶)

در این **چمن** که ز گل های برگزیده پر است

برای چیدن گل انتخاب لازم نیست

(همان: ۳۹۰)

۲-۵-۷- سید حسن حسینی

الف-صفات و استعارات

خطه دار و طناب، حصار کهنه اجدادی، خاک پیر، باغ حق، باغ سرخ،
بیشه زار سحر، شهر ظلمت،...

از نسل سرخ سربداران سلحشور نام آوران **خطه دار و طناب** اند

(حسینی، همصدا با حلق اسماعیل: ۱۲)

او قصه **خاک پیر** را می داند پیچ و خم این مسیر را می داند

از پشت حصار تشنگی آمده است او داغ دل کویر را می داند

(همان: ۱۱۶)

من حرفهایم را به گوش موج خواهم خواند/ من نامه هایم را به بال باد خواهم
بست/ من شعرهایم را/ برای نسل دیگر پست خواهم کرد/ -جای نشانی- / پشت
پاکت می نویسم: / **شهر ظلمت** / کوچه بن بست (همان: ۸۵)

۲-۵-۸- محمدرضا عبدالملکیان

در شعر عبدالملکیان واژه وطن یا میهن به کار نرفته است اما کشور و سرزمین
چندین بار در جای جای اشعارش آمده است. در عین حال که عبدالملکیان بسیار به

سرزمین و خصوصاً اقلیم زادگاهش عشق می‌ورزد، صفات، استعارات یا ترکیبات نوظهور در این‌باره در شعرش به چشم نمی‌خورد. او بیشتر مایل است اجزای وطنش را نام ببرد که نمونه‌ای از آن بیشتر ذکر شد.

۲-۵-۹-عبدالجبار کاکایی

الف-صفات و استعارات

بی‌نظیر، باشکوه، گنج عتیق، غریب، مرز نیلوفر و لاله، خاک آسمانی، هزار ساله، ...

وطنم گنج عتیقه، رد زخمای عمیقه بستر بوسه و خنجر از رفیق و نارقیقه ...
طعم گریه‌های شرجی، عطر خنده‌های کوهی وطنم چه بی‌نظیری، وطنم چه باشکوهی
مفصل کویر و دریا، مرز نیلوفر و لاله خاک آسمونی من، وطن هزار ساله
(کاکایی، با سکوت حرف می‌زنم: ۵۱)

ب-ترکیبات نوظهور

دشنه آباد، ...

آه از زخم دل میرس، با تب درد بگذرد آنچه بر روزگار این، دشنه آباد می‌رود
(کاکایی، آوازهای واپسین: ۶۴)

۲-۵-۱۰-علیرضا قزوه

الف-صفات و استعارات

قلب جهان، جان جهان، بید مجنون، خونین، روح و تن، ...
وطن، روز در کار و شب در نماز وطن، **بید مجنون**، ولی سرفراز...
تو **قلب جهانی**، تو **جان جهان** وطن، جاودانی، وطن جاودان
وطن! پرچم نور در دست توست تو مست خدایی، جهان مست توست
تو ای دین و ایمان، تو ای جان و تن وطن! ای وطن، ای وطن، ای وطن
(قزوه، سوره انگور: ۲۸۶ - ۲۸۷)
تو را دوست داریم ای روح و تن وطن، ای وطن، ای وطن، ای وطن!
(قزوه، سوره انگور: ۲۸۳)

۲-۵-۱۱- محمدسعید میرزایی

در دفاتر شعری محمدسعید میرزایی، صفات، تشبیهات یا ترکیبات نوظهور در باب وطن به چشم نیامد؛ او در آثارش مکرر، فخر ایران را به میزبانی امام رضا(ع) می‌داند:

تو مولا تو سلطان ما تویی فخر ایران ما
نگردد دل و جان ما به محشر ز کویت جدا

علی بن موسی الرضا

(میرزایی، قصاید رضوی: ۱۹۰)

۳- نتیجه‌گیری

در بررسی دفاتر شعر یازده تن از برجسته‌ترین شعرای دفاع مقدس از حیث بازتاب مفهوم وطن در این اشعار، نتایج زیر حاصل شده است:

۱. مفهوم وطن در شعر این شاعران در سه حوزه مفهومی جای می‌گیرد:

الف- در معنای ملی. در این دیدگاه، شاعران، وطن را به مثابه سرزمینی با مساحت مشخص و مرزهای جغرافیایی معلوم در نظر می‌گیرند و به آن، تاریخ کهن و فرهنگ دیرسالش افتخار می‌کنند. البته گاهی نیز به جای افتخار به فرهنگ و تاریخ گذشته ایران، شاعران با تحقیر و افسوس از آن یاد می‌کنند و فرهنگ، حماسه و قهرمانان معاصر را به آنچه پشت سر داریم، برتری می‌نهند.

ب- در معنای اقلیمی. در این دیدگاه، شاعران به وصف زادگاه خویش می‌پردازند و با فخر و شادی و اغلب با نگاهی حسرت‌بار از آن یاد می‌کنند. برخی از شاعران در یادکرد زادگاه خویش از لهجه محلی استفاده کرده‌اند. گاهی نیز اجزای وطن و شهرها و مناطق مختلف آن (اغلب مناطق جنگ‌زده) با فخر و سربلندی یاد کرده می‌شود.

ج- وطن اعتقادی/ وطن آرمانی. گاه، وطنی که شعرای دفاع مقدس از آن یاد می‌کنند، نه وطن ملی است نه وطن اقلیمی؛ بلکه وطن مشترک همه مسلمانان است. از این وطن می‌توان به «وطن اسلامی»، «امت واحده»، و یا «وطن اعتقادی» یاد کرد. گاهی نیز شعرای دفاع مقدس، سرزمینی در نهایت آرامش و آزادی و

صلح در اشعارشان تصویر و آن را برای همه انسان‌های جهان آرزو می‌کنند. می‌توان این سرزمین رویایی را «وطن آرمانی» نامید.

۲. شاعران دفاع مقدس به سبب عرق میهنی-مذهبی که به سرزمین خویش دارند، در اشعارشان برای وطن از توصیفات، استعارات، تشبیهات و ترکیبات بدیع و نوظهور استفاده کرده‌اند. اغلب تشبیهات این شعرا درباره وطن، در حوزه مفاهیم مذهبی است و بسامد تشبیه وطن به کربلا، نینوا، دشت خونین و مفاهیمی از این دست نسبت به سایر مفاهیم، افزون است. ترکیب‌سازی‌های جدید در این حوزه، اغلب از ترکیب اسم و پسوند با یکدیگر اتفاق افتاده است. ترکیباتی نظیر شهیدستان، امیدستان، شهیدآباد، جنون‌آباد، معصیت‌آباد، ستم‌آباد، دشنه‌آباد و... از این دست‌اند.

۳. ترکیبات نوظهور در شعر برخی از شعرا همچون حمید سبزواری و سیمیندخت وحیدی بیشتر و تلمیحات فرهنگی و اساطیری ایران کهن در شعر برخی دیگر همچون امین‌پور، عبدالملکیان و کاکایی و مردانی بیشتر است. قزوه تلمیحات تاریخی را به تلمیحات اسطوره‌ای ترجیح می‌دهد (همچون اشاره به ستارخان و باقرخان و سربداران و...). محمدسعید میرزایی دل‌بستگی تام و تمام به علی‌بن موسی‌الرضا دارد و فخر ایران را به میزبانی ایشان می‌داند.

یادداشت‌ها

۲.National ۳.Nostalgic ۴.Utopia 5.Ideological

فهرست منابع

۱. آقابخشی، علی اکبر و مینو افشاری راد، (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۲. امین پور، قیصر، (۱۳۸۸)، مجموعه کامل اشعار (از شعرهای ۱۳۵۹-۱۳۸۵) چ ۲، تهران: مروارید.
۳. بصیری، محمدصادق، (۱۳۸۷)، «طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری»، نامه پایداری: مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری - کرمان ۱۳۸۴؛ به کوشش امیراحمد خراسانی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. حسینی، حسن، (۱۳۸۵)، از شرابه‌های روسری مادرم، تهران: انجمن شاعران ایران.
۵. _____، (۱۳۸۵)، در ملکوت سکوت، تهران: انجمن شاعران ایران.
۶. _____، (۱۳۸۷)، شاعری در مشعر: گزیده اشعار، تهران: نشر تکا (توسعه کتاب ایران).
۷. _____، (۱۳۷۵)، گنجشک و جبرئیل: مجموعه شعر (۱۳۶۳-۱۳۶۴)، چ ۲، تهران: افق.
۸. _____، (۱۳۸۶)، نوش داری طرح ژنریک: به انضمام چند قلم سروده دیگر، چ ۳، تهران: سوره مهر.
۹. _____، (۱۳۶۳)، همصدا با حلق اسماعیل، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت فامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: چاپ اول از دوره جدید.
۱۱. رزمجو، حسین، (۱۳۸۸)، قلمرو ادبیات حماسی ایران، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. سزواری، حمید، (۱۳۶۸)، سرود درد: دیوان اشعار، دفتر اول، با مقدمه علی خامنه‌ای و محمود شاهرخی، تهران: کیهان.
۱۳. _____، (۱۳۶۸)، سرود سپیده: دیوان اشعار، دفتر دوم، با مقدمه سید علی خامنه‌ای و صادق آینه‌وند، تهران: کیهان.
۱۴. _____، (۱۳۸۱)، سرودی دیگر: دیوان اشعار - دفتر سوم، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
۱۵. سنگری، محمدرضا، (۱۳۹۰)، ادبیات دفاع مقدس: مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی، تهران: صریح.
۱۶. شفیع کدکنی، محمدرضا، (فروردین - تیر ۱۳۸۹)، «تلقی قدما از وطن»، بخارا، ش ۷۵، صص ۱۵-۴۵.

۱۷. صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۸)، **تاریخ ادبیات ایران**، ج ۲، ج ۱۴، تهران: انتشارات فردوس.
۱۸. طاهری، علی و محبوبه اسلامپور، (۱۳۸۹)، «**جلوه‌هایی از ادبیات پایداری ایران و فلسطین در آثار قیصر امین‌پور و محمود درویش**»، نامه پایداری ۲: مجموعه مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری - کرمان ۱۳۸۷، به کوشش احمد امیری خراسانی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۹. عبدالملکیان، محمدرضا، (۱۳۷۴)، **آوازه‌های اهل آبادی**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. _____، (۱۳۹۰)، **دنیا به کبوتراش پشت کرده است** (شعرهای ۸۴ تا ۸۹)، تهران: مروارید.
۲۱. _____، (۱۳۶۸)، **ریشه در ابر**، ج ۲، تهران: انتشارات برگ.
۲۲. _____، (۱۳۸۲)، **ساده با تو حرف می‌زنم**، تهران: دارینوش.
۲۳. _____، (۱۳۸۴)، **گزینه اشعار**، تهران: مروارید.
۲۴. _____، (۱۳۸۳)، **گل چه پایان قشنگی دارد**: یادنامه سلمان هراتی، شیراز: داستان سرا.
۲۵. فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۱)، **شاهنامه**، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات عملی.
۲۶. قزوه، علیرضا، (۱۳۶۹)، **از نخلستان تا خیابان**، تهران: همراه.
۲۷. _____، (۱۳۸۷)، **این همه یوسف**: منظومه‌ای در رثای سردار سرلشگر پاسدار شهید یوسف کلاهدوز، مشهد: کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان‌های خراسان - انتشارات ستاره‌ها.
۲۸. _____، (۱۳۹۱)، **چمدان‌های قدیمی**، تهران: سلمان پاک.
۲۹. _____، (۱۳۸۷)، **سوره انگور**، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، نشر تکا.
۳۰. _____، (۱۳۷۴)، **شبلی و آتش**، تهران: انتشارات اهل قلم.
۳۱. _____، (۱۳۸۴)، **قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ**، تهران: لوح زرین.
۳۲. کاشانی، سپیده، (۱۳۷۳)، **سخن آشنا**: مجموعه اشعار، تهران: به کوشش شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگی بانوان مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۳. _____، (۱۳۸۷)، **گزیده ادبیات معاصر**: مجموعه شعر، تهران: کتاب نیستان.
۳۴. _____، (۱۳۸۹)، **مجموعه آثار** (با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.

۳۵. کاکایی، عبدالجبار، (۱۳۶۹)، **آوازه‌های واپسین**، بی جا: نشر همراه.
۳۶. _____، (۱۳۸۷)، **با سکوت حرف می‌زنم**، تهران: علم.
۳۷. _____، (۱۳۸۰)، **بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان**، تهران: پالیزان.
۳۸. _____، (۱۳۷۵)، **حتی اگر آینه باشی...**، تهران: انتشارات اهل قلم.
۳۹. _____، (۱۳۸۶)، **هر چه هستیم از تو دورم: مجموعه شعر**، تهران: موسسه رسانه طلایی.
۴۰. کوثری، مسعود، «**درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات جنگ**»، فصلنامه پژوهش، س ۳، ش ۹.
۴۱. مردانی، نصرالله، (۱۳۷۰)، **آتش نی**، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۲. _____، (۱۳۷۱)، **تذکره منظوم سستیخ سخن**: همراه با معرفی کوتاهی از حدود دو هزار شاعر و بیش از صد و پنجاه تذکره، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۴۳. _____، (۱۳۶۴)، **خون نامه خاک**، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۴۴. _____، (۱۳۷۶)، **قانون عشق**، تهران: مرکز نشر صدا.
۴۵. میرزایی، محمدسعید، (۱۳۸۲)، **الواح صلح**. قم: همسایه.
۴۶. _____، (۱۳۷۶)، **درها برای بسته شدن آفریده شد**، تهران: نشر کانون.
۴۷. _____، (۱۳۸۷)، **دیروز می‌شوم که بیایی**، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، نشر تکا.
۴۸. _____، (۱۳۸۸)، **قصاید رضوی در ستایش چهارده معصوم خاصه امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام**، گردآورنده: حسین فتحی. تهران: دفتر هنر و ادبیات هلال.
۴۹. وحیدی، سیمیندخت، (۱۳۹۰)، **دیوان اشعار**، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
۵۰. هراتی، سلمان، (۱۳۸۰)، **مجموعه کامل اشعار**، تهران: دفتر شعر جوان.